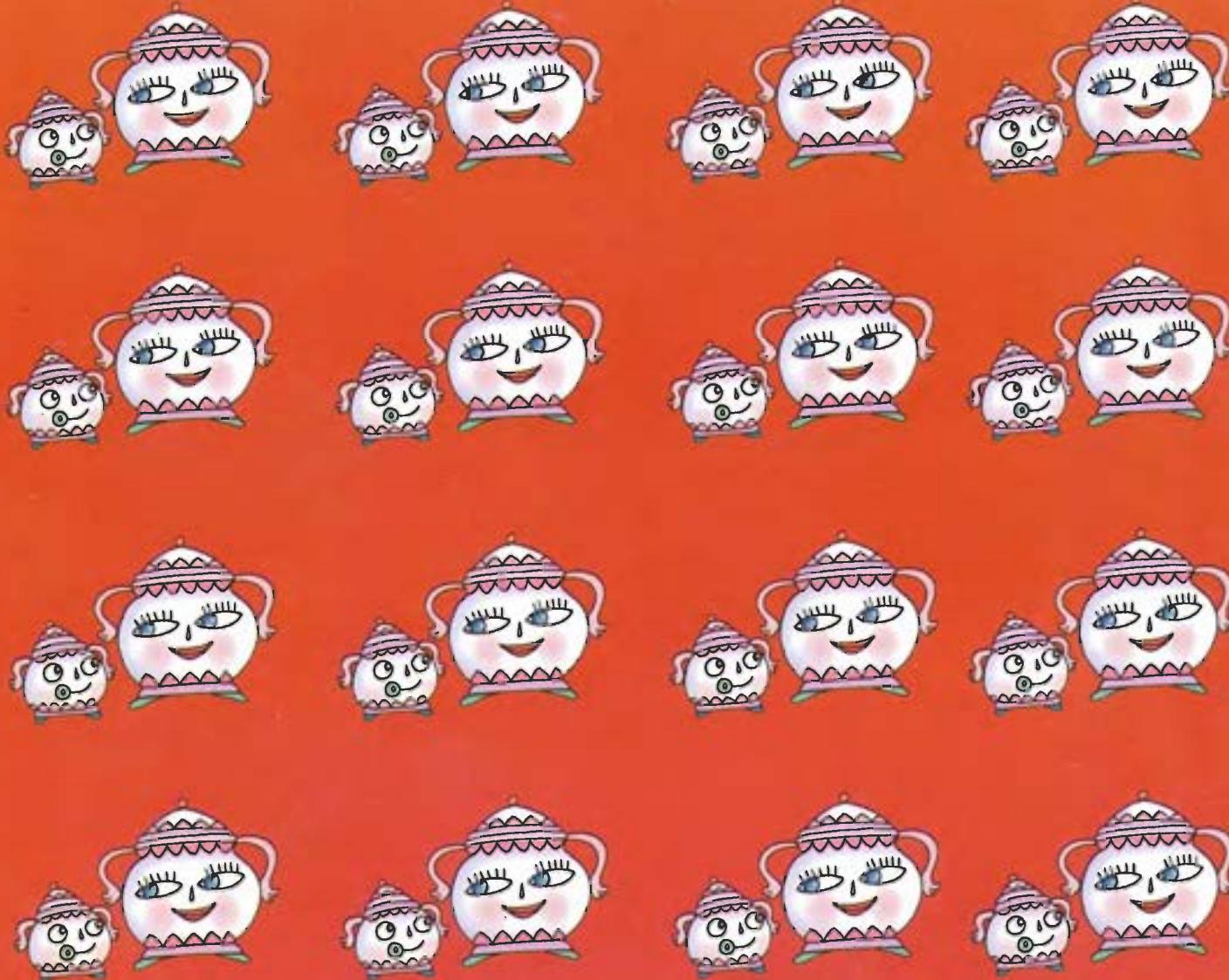


خردسانان

گویا

سال پنجم
شماره ۲۷۳، پیج شنبه
۲۵ بهمن ماه ۱۳۸۶
۳۰۰ تومان



نوجوان

مجله‌ی خردسانان ایران

به نام فداوند بفشنده‌ی موربان

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)

۱۳		بچه غول	۳		با من بیا ...
۱۸		من گرسنه‌تر هستم	۴		آواز بهار
۲۰		قصه‌ی حیوانات	۷		نقاشی
۲۲		جیرجیرک گفت: «سلام»	۸		فرشته‌ها
۲۴		کاردستی	۱۰		خانواده
۲۵		فرم اشتراک	۱۱		جدول
۲۷		ترانه‌های زندگی	۱۲		بازی



پدر و مادر عزیز، مربی گرامی

- مدیر مسئول: مهدی ارکانی
- سردبیران: افسین اعلاه، مرجان کشاورزی آزاد
- تصویرگر: محمدحسن صلوانیان
- کرافیک و صفحه‌آرایی: مجتبی صلوانیان
- لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر عروج
- امور مشترکین: محمدرضا ملائزاده
- نشانی: تهران- خیابان انقلاب، چهار راه کالج، شماره ۹۶۲، نشر عروج
- تلفن: ۰۲۹۷-۶۶۷۰ و ۰۸۲۳-۶۶۷۱۲۲۱۱ نمبر: ۶۶۷۱۲۲۱۱
- این مجموعه ویژه‌ی خردسانان طراحی شده است. علاوه بر جنبه‌های آموزشی، تقریحی و سرگرمی، افزایش مهارت‌های عملی خردسانان از اهداف اصلی آن است. بریدن، جدا کردن، رنگ آمیزی، حتی خط خطي کردن و هر گونه فعالیت پیش‌بینی نشده از طرف کودک، می‌تواند به ایجاد ارتباط، اعتماد به نفس، شادی و رشد خلاقیت او کمک کند. او را در شیوه استفاده از مجله آزاد بگذاریم. تنها به عنوان پیشنهاد و راهنمایی در بعضی از صفحات مجله توضیحات کوتاهی درج شده است.

با من بیا



دوست من سلام.
من قندان هستم.

همان که قندهای شیرین و سفید را توی آن می‌ریزند. من بچه‌هایی را می‌شناسم که با یک استکان چای فقط یک قند کوچک می‌خورند. آن‌ها دندان‌های سفید و سالمی دارند. برای همین هم خنده‌های قشنگی دارند. کار قندان، تمیز نگه داشتن قند است. یادت

باشد، همیشه در قندان را بیندی تا قندها
کشیف نشوند. مراقب دندان‌های سفید و
زیباییت هم باش!

حالا برای یک سفر شیرین و خوشمزه
به مجله‌ی دوست خردسالان، با من بیا...





آواز بهار

یکی بود، یکی نبود. روزهای آخر فصل زمستان بود. خورشید، گرم‌تر از همیشه، تایید و برف‌ها را آب کرد. صدای شرشر آب، همه‌جا پیچید. قورباغه صدای شرشر را شنید و قورقور کرد.

"شرشرش، قور قور قور ..."

پرنده، صدا را شنید و جیک جیک کرد.

"شرشرش، قور قور قور، جیک جیک جیک ..."

دارکوب از لانه بیرون آمد. قورباغه گفت: «این آواز بهار است!»

دارکوب خندید و به تنہ‌ی درخت نوک زد: «تقطق تقطق»

"شرشرش، قور قور قور، جیک جیک جیک، تقطق تقطق ..."

جیرجیرک روی شاخه بود که صدایها را شنید و گفت: «وای! آواز بهار است.» و شروع کرد به جیرجیر کردن.

"شرشرش، قور قور قور، جیک جیک جیک، تقطق تقطق، جیرجیر جیر ..."

همه شاد بودند و با آواز بهار می‌رقصیدند. ناگهان صدایی به گوش رسید.





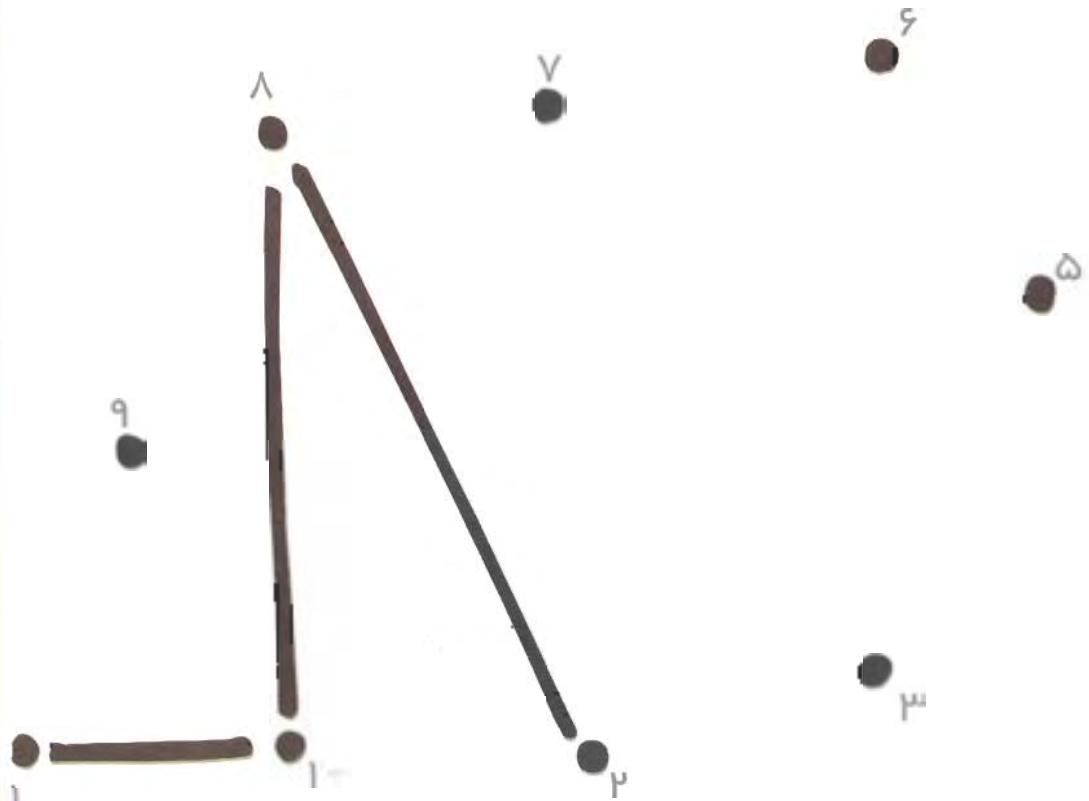
صدای، خرت خرت خرت. قورباغه گفت: «صدای کی بود؟»، دارکوب گفت: «صدای چی بود؟»، جیرجیرک گفت: «این جا نبود!» پرنده گفت: «بالای درخت بود!» همین موقع سنجاب، در حالی که خرت و خرت پوست گردو را می‌جوید از لانه بیرون آمد.

دارکوب گفت: «سنجاب بیدار شد!» قورباغه گفت: «چون زمستان تمام شد!» سنجاب خندید و گفت: «آواز بهار را شنیدم، یکهو از خواب پریدم!» همه خندیدند و دوباره جنگل پر شد از آواز بهار: شرشرش، قور قور، جیک جیک، تق تق تق، جیرجیرجیر، خرت خرت خرت، شرشرش ...



نقاشی

دایره‌های سیاه ۱ تا ۱۰ را به هم وصل کن تا شکل کامل شود. آن را رنگ کن.



حسین



دیشپ حسین تپ کرد. دایی عباس و زن دایی او را په پیمارستان پر دند. من دعا کردم و از خدا خواستم که حال حسین را زود زود خوب کند.
دایی په خانه پرگشت و گفت که حسین پایدشپ را در پیمارستان پمانت. دایی می خواست دوباره په پیمارستان پر گردد. من توپم را په دایی دادم و گفتم: «دایی چان این توپ را پالای سر حسین بگذارید.» دایی خندید و گفت: «پیمارستان که چای توپ پاری نیست.» گفتم: «این توپ را پالای سر حسین بگذارید تا خدا بداند که من پرای چه کسی دعا کرده ام. ممکن است خدا نتواند حسین را بین همه پیچه ها پیدا کند. این طوری حسین را پیدامی کند و مواظب او می شود.» دایی مرا بغل گرفت و پوسید و گفت: «خدا خودش همه را آفریده است. او هیچ وقت هیچ کدام از پنده هایش را گم نمی کند.»

صبح وقتی داشتم صبحانه می خوردم، دایی عباس و زن دایی و حسین په خانه پرگشتند. حسین حالش خوب شده بود و می خندید. خدا تمام شپ مواظب او بود. خدا حسین را گم نکرد.





خانواده



۴ همراه ماهوتی



نان پنیر و پسته

مادر بزرگ نشسته

پدر کجاست؟ همینجا

کنار سفره‌ی ما

مامان غذا کشیده

سفره‌ی شام را چیده

آورده‌ام، خودم، نان

با پارچ آب و لیوان

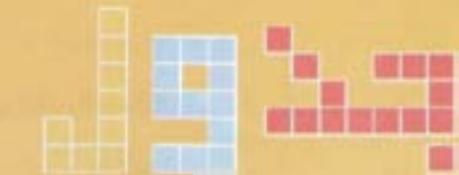
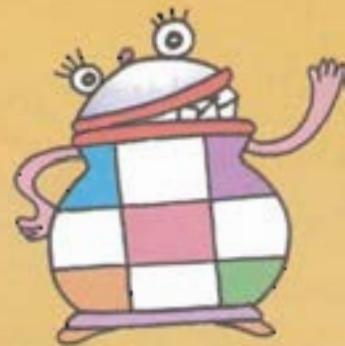
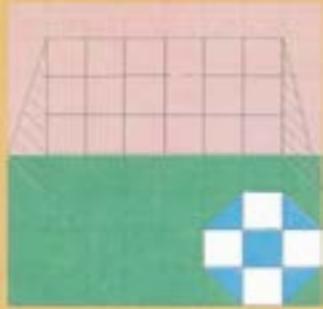
این جمع خانه‌ی ماست

دسته‌ای خوب و زیباست

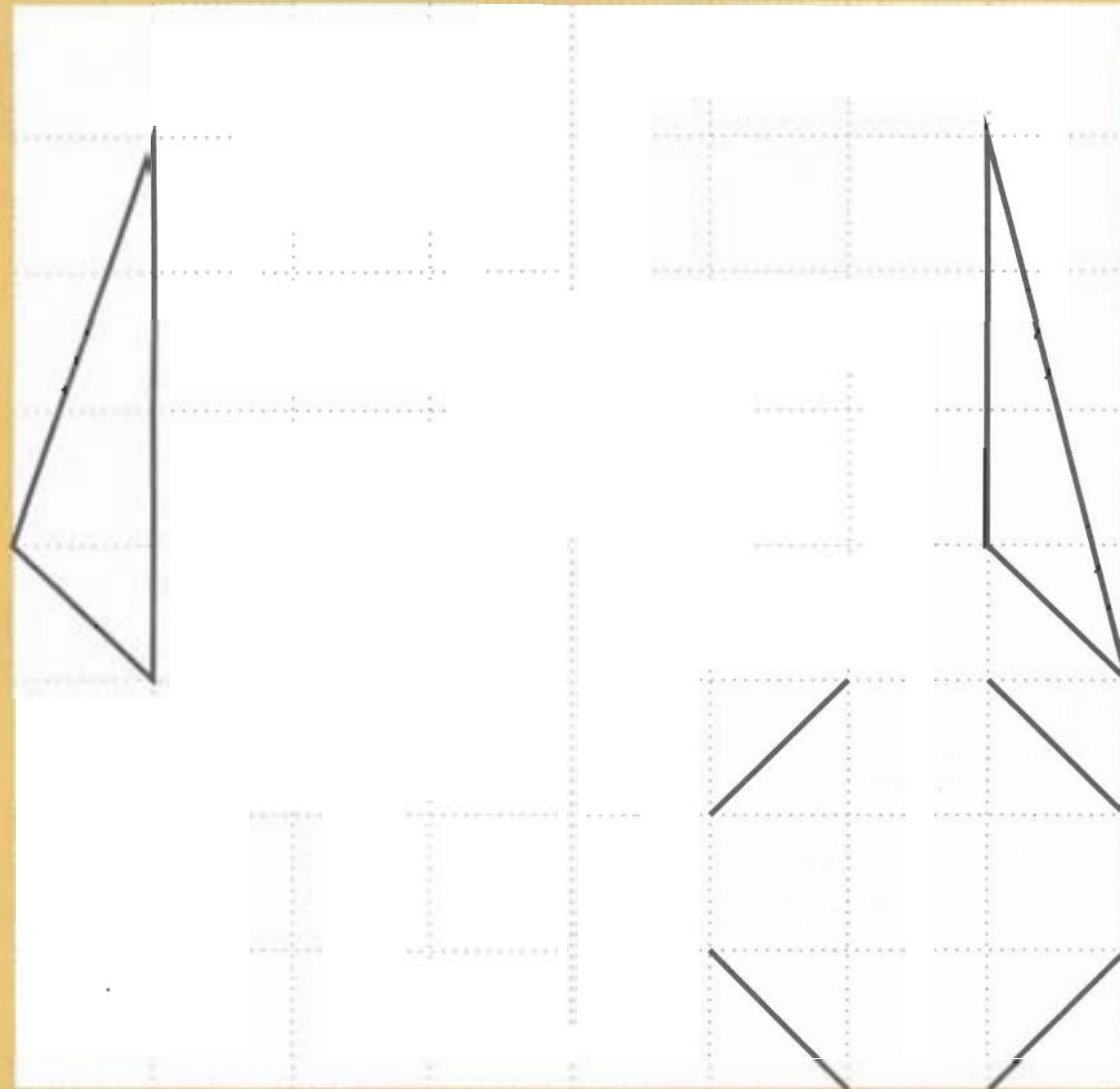
یک جمع گرم و ساده

به اسم خانواده





جدول را کامل و رنگ کن.



به این شکل‌ها با دقت نگاه کن.
حالا داستان آن را تعریف کن و به ترتیب
زیر هر شکل علامت بزن.

جا جی





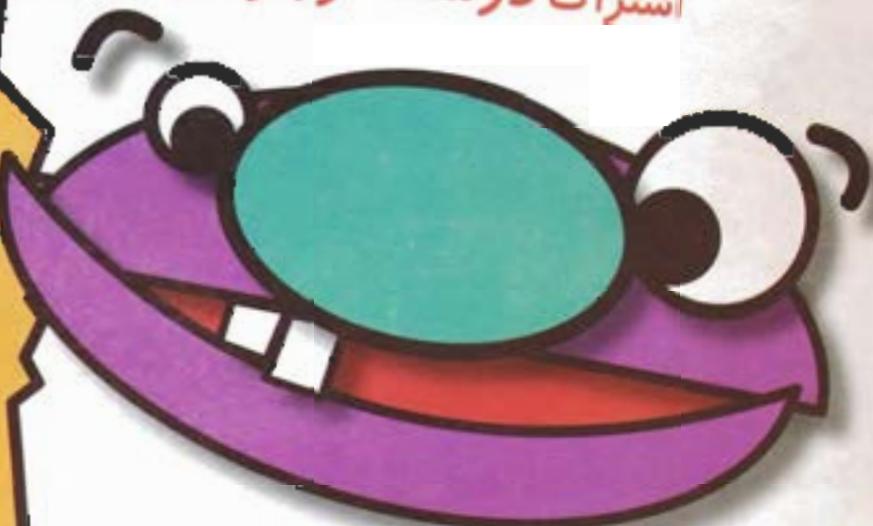






اگر می خواهید خواهر یا برادر بزرگترتان به مجله های شما دست نزند اشتراک دوست نوجوانان را برایش بگیرید

نام
نام خانوادگی
تاریخ تولد
تحصیلات
نشانی
کد پستی
تلفن
شروع اشتراک از شماره
تا شماره
امضاء



قابل توجه سنتاپسیان خارج از کشور
بهای یک شماره هفتگی دوست
خاور میانه(کشور های همچو) ۰۰۰۰ اربال
آرپیا، افریقا، زاین ۱۰۰۰ اربال
امریکا، کانادا، استرالیا ۱۲۵۰ اربال
بستگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور
که در ایران سکونت دارند. می توانند مبلغ فوق را به
حساب اعلام شده واریز و سپس نشانی فرد خارج از
کشور را به امور مشترکان مجله دوست ارسال کنند.

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۵ - هر ماه ۴
شماره- هر شماره ۳۷۵۰ ریال
مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۲ بانک
صادرات میدان انقلاب کد ۷۶
به نام موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید
(قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در
سراسر کشور)
فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی
تهران، خیابان انقلاب، چهار راه حافظه، پلاک ۹۶۲
امور مشترکان مجله دوست ارسال فرمایید.

مشترکین محترم استان اصفهان می توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۱۰۰۴ ۱۱۸۷۵۰۱۰۰ قابل
پرداخت در کلیه شعب بانک ملی در ایران واریز کنند.
آدرس: اصفهان- خیابان شیخ بهایی- مقابل بیمارستان مهرگان- نمایندگی چاپ و نشر عروج-
تلفن: ۰۳۱۱۲۳۶۴۵۷۷
واحد اشتراک مجله دوست نوجوانان



جن گرسنه تر هستم

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا، هیچ کس نبود.

یک روز توی لانه نشسته بود تا مادر برایش غذا بیاورد. ناگهان باد تندي وزید و

توی لانه افتاد پایین. اورادید و گفت: «به به چه غذای خوش مزه‌ای!» گفت: «غذای

خوش مزه؟ کو، کجاست؟ من خیلی گرسنه‌ام.» نزدیک آمد و گفت: «ولی من

از تو گرسنه تر هستم! همین موقع از راه رسید و به گفت: «نه! این من هستم که

از تو گرسنه ترم! این کوچولو غذای من است.» که از آمی ترسید عقب

رفت و چیزی نگفت. نزدیک آمد تا او را بخورد، ناگهان سرو کله‌ی پیدا

شد.  گفت: «ای  بلا! این غذای من است. به  نزدیک نشو!» 

خیلی گرسنه‌ام. زود بباید غذارا بخوریم!»  نزدیک آمد و گفت: «من هم خیلی

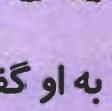
گرسنه‌ام!» می‌خواست  رایک لقمه‌ی چپ کند که ناگهان  به آسمان رفت.

 با خرطومش  را بلند کرد و گذاشت توی لانه.  اخم کرد و رفت.

 هم اخم کرد و رفت.  هم اخم کرد و به  گفت: «چرا

نگذاشتی با آن‌ها یک غذای خوش‌مزه بخورم؟»  خندید و گفت: «صبر کن تا مادرت

بباید. او برایت غذا می‌آورد.»  این را گفت و رفت.

وقتی مادر  آمد.  و  می‌خواستند با من یک

غذای خوش‌مزه بخورند. اما  نگذاشت!

مادر خندید و گفت: « کوچولو، خیال بافی بس است! بیا غذایت را بخور.

قصه‌ی بیو



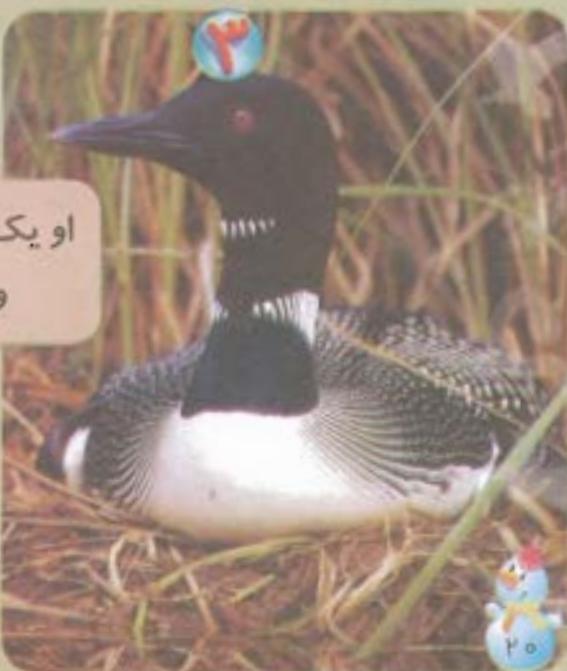
مرغابی او را دید و آرزو کرد که او
هم جوجه داشته باشد.



یک روز وقتی دارکوب به بچه‌هایش غذا می‌داد...



او یک لانه‌ی راحت درست کرد
ودر آن تخم گذاشت.



مرغابی هر روز منتظر بود تا
جوچه‌اش از تخم بیرون بیاید.

مرغایی جوجه‌اش را به دریا برد و به او
ماهی‌گیری یاد داد.



بالاخره جوجه‌ی سیاه و قشنگ او از
تخم بیرون آمد.



آن روز یک قوی زیبا، آن‌ها را دید و
یک آرزو کرد. می‌دانی چه آرزویی؟





جیرجیرک گفت: سلام

سرور کتبی

جیرجیرک گفت: «سلام»

شب گفت: «سلام»

جیرجیرک حرف زد.

حرف‌های او تمام شب طول کشید.

حرف‌های جیرجیرک تمام شد.

نوبتی هم بود، حالا نوبت شب بود.

شب گفت: «من ...»

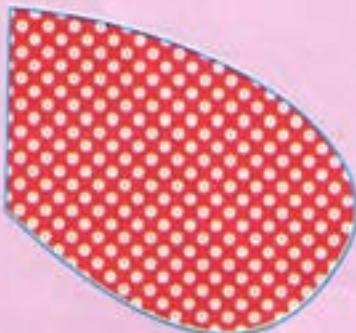
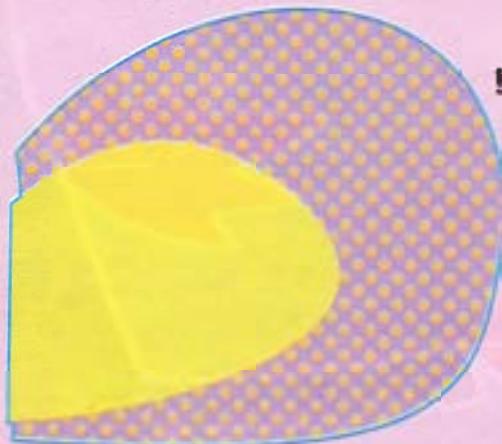
اما ناگهان خورشید توی حرف شب پرید.

صبح شد.

حرف‌های شب تمام نشد.



گوشه های



شکل ها را از روی خط (آبی) قیچی کن.
بال های را به بدن پروانه بچسبان.
حالا تو یک پروانه زیبا و رنگارنگ داری!



بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۶

هر ماه چهار شماره، هر شماره ۳۲۵۰ ریال

مبلغ اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۲۵۲ بانک صادرات شعبه‌ی انقلاب کد ۷۶

به نام مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید.

(قابل پرداخت در کلیه‌ی شعب بانک صادرات در سراسر کشور)

فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه کالج، فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) شماره ۹۶۲ امور مشترکان مجله دوست خردسالان ارسال فرمایید.

مشترکین محترم استان اصفهان می‌توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۱۰۱۱۸۷۵۰۱۰۰۴

قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی در ایران واریز فرمایند.

آدرس: اصفهان، خیابان شیخ بهایی، مقابل بیمارستان مهرگان، تماشگی چاپ و نشر عروج تلفن: ۲۳۶۴۵۷۷

نظرات و پیشنهادات خود را در ارتباط با اشتراک و نحوه ارسال مجلات با شماره تلفن ۰۲۱ ۶۶۷۰۶۸۳۳ در میان بگذارید.

فرم اشتراک

نام :

نام خانوادگی :

تاریخ تولد: / /

۱۳

تحصیلات:

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

شروع اشتراک از شماره:

تا شماره:

امضاء



فشنای فرستنده:

جای تمبر

نشرخانه

فشنای گیرنده:

تهران - خیابان انقلاب اسلامی، چهار راه کالج، فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
شماره ۹۶۲ امور مشترکان مجله هفتگی دوست خردسالان

com
کامپ



ترانه‌های زندگی

مصطفی رحماندوست



جیک جیک جیک

چی داری

آقا خروسه لاری

قوقولی قوقو، قاقا

دوبال دارم، دوتا پا

کاکلی زیبا دارم

خیلی تماشا دارم

یه دم که رنگارنگه

یه زن دارم قشنگه

جوچه دارم، جاجاجا

جوچه‌ی زرد و زیبا

صدام خوبه اذان می‌دم

خبر به این و آن می‌دم

